

آسیب‌شناسی ثبات مالی و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی در ایران

با تأکید بر مطالبات معوق بانک‌ها*



هزینه‌های اجتماعی و سیاسی یک بحران مالی، می‌تواند به مراتب بیش از هزینه‌های اقتصادی آن باشد.

♦ انحراف فعالیت‌های اقتصادی به واسطه پول‌های سرگردان،
♦ افزایش فعالیت‌های دلالی و سوداگری،
♦ آسیب به سیستم دریافت و پرداخت،
♦ اتلاف منابع ملی و کاهش رفاه اجتماعی،
♦ نارضایتی مردم از عملکرد بانک‌ها و احتمال بروز بحران‌های اجتماعی،
♦ گسترش بی‌عدالتی و فساد اقتصادی.

بنا به دلایل فوق‌الذکر، معمولاً دولت‌ها با بروز اولین نشانه‌های بحران مالی وارد عمل می‌شوند. اما باید توجه داشت که مداخلات دولت‌ها ممکن است موجب کژمنشی در پذیرش ریسک اعتباری از سوی بانک‌ها شود. همچنین اقدامات نامناسب، ناهماهنگ و نابه‌جای مسوولان در مواقع بحران، بازتاب‌های اجتماعی چشمگیری دارد.

هزینه‌های قابل توجه یک بحران مالی، این الزام را به وجود می‌آورد که سیاستگذار اقدامات احتیاطی لازم را برای جلوگیری از وقوع بحران به علم آورد. کاربرد صحیح

هر چند که ثبات مالی به خودی خود یک موضوع اقتصادی است، اما آثار و پیامدهای یک بحران مالی الزاماً اقتصادی نیست، بلکه هزینه‌های اجتماعی و سیاسی یک بحران مالی می‌تواند به مراتب بیش از هزینه‌های اقتصادی آن باشد.

اگر امنیت ملی را ناظر بر اعتماد متقابل بین ملت و دولت در نظر بگیریم، هر گونه حادثه‌ای در حوزه اقتصاد کلان کشور که این رابطه را در معرض تهدید قرار دهد، به امنیت ملی آسیب می‌رساند. در این چارچوب، چنانچه وجود یک ریسک در بخش مالی به طور سیستماتیک رابطه بین مردم و سیستم اداره کشور را تخریب کند، آن ریسک را باید یک تهدید امنیتی تلقی نمود.

بحران‌های مالی بنا به دلایل زیر در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرند:

♦ گسترش فعالیت بازار غیررسمی پول،
♦ سلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم مالی کشور،
♦ کاهش کارایی سیاست‌های پولی،

* برگرفته از: آسیب‌شناسی ثبات مالی و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی در ایران / مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد / اردیبهشت ۱۳۸۸ / صفحات ۱۲۶-۱۲۳.



ایجاد بحران در سیستم بانکی به علت عدم بازگشت مطالبات، به سرعت قابل تسری به بخش واقعی اقتصاد بوده و در نتیجه، می تواند کل نظام اقتصادی را با مخاطراتی مواجه سازد.

عدم رعایت دستورالعمل‌های صادره سبب شده است تا:

- ۱) ذخیره کافی برای پوشش زیان‌های ناشی از مطالبات نگهداری نشود.
- ۲) سود بیشتر نشان داده شده و مالیات بیشتری پرداخت گردد و نهایتاً بنیه مالی بانک‌ها تضعیف شود.
- ۳) عدم سرفصل شدن مطالبات موجب گمراهی و عدم پیگیری وصول مطالبات گردد.
- ۴) خالص دارایی‌های بانک‌ها (مطالبات در قالب انواع عقود) بیشتر نشان داده شود.

آنچه مسلم است، این است که بانک‌ها به عنوان اعتبار دهنده، همواره در معرض ریسک اعتباری هستند و باید تلاش نمایند تا این ریسک را کاهش دهند تا بتوانند سازمان خویش را حفظ کنند. شرایط فعلی موجب شده است تا بانک‌های دولتی کشور در معرض شدید این ریسک قرار گیرند و مطالبات آنها به شدت افزایش یابد. مطالبات پنهان این قبیل بانک‌ها به حدی رسیده که اگر برخی از آنها به شفاف‌سازی مطالبات پردازند، اهمیت موضوع چندین برابر می گردد و برخی از آنها با زیان سنواتی روبرو خواهند شد. ادامه روند حاکم، موجب بی‌اعتباری بانک‌های دولتی و کاهش ارتباطات قوی با بانک‌های بزرگ دنیا خواهد گردید.

سیاست‌ها و تدابیر پیشگیرانه در سطح اقتصاد کلان، مستلزم آن است که ریسک‌های سیستماتیک در بخش مالی شناسایی شوند. ریسک‌های مزبور، در واقع، مواضع احتمالی وقوع و بروز بحران را نشان داده و سیاستگذار را برای به کارگیری اقدامات احتیاطی راهنمایی می‌کند. ایجاد بحران در سیستم بانکی به علت عدم بازگشت مطالبات، به دلیل وابستگی گسترده فعالیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی به بانک جهت تجهیز منابع، به سرعت قابل تسری به بخش واقعی اقتصاد بوده و در نتیجه، می‌تواند کل نظام اقتصادی را با مخاطراتی مواجه سازد. به همین علت، شناسایی عوامل ایجاد مطالبات معوق و راهکارهای کنترل و جلوگیری از آن برای سیاستگذار، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

در حال حاضر، میزان مطالبات معوق اعلام شده از سوی بانک‌ها، بسیار هشدار دهنده است، یعنی بخشی از مطالباتی که واقعا جزو مطالبات معوق بوده و بایستی برابر دستورالعمل‌های اجرایی بانک‌ها به عنوان معوق طبقه‌بندی گردد، جزو مطالبات عادی تلقی می‌شود. از آنجایی که میزان ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول رابطه مستقیمی با میزان مطالبات عادی و معوق دارد، لذا طبقه‌بندی نادرست سبب شده است تا ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول نیز کمتر از میزانی که بایستی محاسبه گردد، نشان داده شود.